

اندیشه معلم



نشریه دانشجویی بسیج
دانشگاه فرهنگیان هرمزگان

در این شماره می‌خوانید :

- ❖ مصاحبه با حجت الاسلام والمسلمین سلیمانی
- ❖ مردی تنها در میان دود و آتش
- ❖ احتیاط، خدا اینجاست...
- ❖ فوتبال سیاسی نیست!
- ❖ خون، بهای نان
- ❖ عدالت آموزشی
- ❖ توییت - گردی



نشریه اندیشه معلم

شماره سوم، بهار ۱۴۰۱



همکاران ما در این شماره :

پوریا روشنی
معصومه شمایل راد
فهیمه ساجدی
علی رزاقپور
علیرضا حسنی
پیام بذرافشان

فهرست

۰۲

مصاحبه با حجت الاسلام والمسلمین
سلیمانی

۰۶

مردی تنها در میان دود و آتش
جستاری پیرامون جنگ روسیه و اوکراین

۱۳

احتیاط، خدا اینجاست...

۱۷

فوتبال سیاسی نیست!

واکاوی رابطه فوتبال و سیاست در جهان امروز

۲۰

خون، بهای نان

سمفونی فقر و مرگ در سایه بی توجهی ها

۲۵

عدالت آموزشی

و تبعات بی عدالتی در آموزش

۲۸

#توییت-گردی

توییت های روز سیاسی-اجتماعی

مصاحبه نشریه اندیشه معلم با:

حجت الاسلام والمسلمین سلیمانی

(نماینده مقام معظم رهبری در دانشگاه فرهنگیان هرمزگان)



آسیب‌شناسی شما از فضای کلی دانشگاه فرهنگیان چگونه است؟

دانشگاه فرهنگیان اساساً برای این تأسیس شد که یک رسالت بزرگی را انجام بدهد و آن تأمین نیروی معلم مورد نیاز برای نظام اسلامی است. یعنی قرار است معلمانی متناسب با نظام اسلامی تربیت بشوند. ولی اینکه دانشگاه فرهنگیان در این سال‌ها در این هدف موفق بوده یا خیر، بنظر می‌رسد نمره متوسطی می‌توانیم به عملکرد این نهاد بدهیم. نه اینکه اصلاً موفق نبوده، اما از طرفی چندان هم در سطح انتظار عمل نکرده است. یک دلیلش این است که ظرفیت کافی برای اینکه به مقدار مورد نیاز معلم تربیت بشود در دانشگاه ایجاد نشده؛ لذا بخشی از نیاز آموزش و پرورش از طریق ماده ۲۸ یا حق‌التدریسی‌ها جذب این نهاد می‌شوند که همین امر می‌تواند عملکرد نهاد آموزش را تحت تأثیر قرار دهد. یک دلیل دیگر این است که خود دانشگاه فرهنگیان هم این مقدار نیرویی که پذیرش می‌کند، در گزینش آن‌ها صلاحیت‌های لازم و کافی را احراز نمی‌کند. یعنی روشی که گزینش صورت می‌گیرد در حال حاضر روش کارآمدی نیست. مورد بعدی این است که این کسانی هم که به هر نحو وارد دانشگاه فرهنگیان شده‌اند، هم به لحاظ پرورشی هم به لحاظ آموزشی، مورد تعلیم و تربیت مورد انتظار قرار نمی‌گیرند. یعنی هم از نظر علمی چیزی که مورد انتظار است برای

دانشجویان محقق نمی‌شود و اتقان در کار آموزشی وجود ندارد و علم و آموزش جایگاهی که باید داشته باشد را ندارد و دانشجویان غالباً صرفاً به دنبال پاس کردن واحدهای درسی هستند، و هم به لحاظ پرورشی و تربیتی، حد مطلوب پرورش اتفاق نمی‌افتد. برای مثال، در دانشگاه فرهنگیان اصل بر این است که دانشجویان در سرای دانشجویی باشند و از ابتدا هدف این بوده که در این چهار سال همه دانشجویان در این سراها حضور داشته باشند تا کار تربیتی روی دانشجویان صورت بگیرد، برخلاف بقیه دانشگاه‌ها که دانشجوی هیچ الزامی برای حضور در خوابگاه و سراهای دانشجویی ندارد و با میل خود تصمیم می‌گیرد؛ اما اینجا اینطور نیست. اینجا اصل بر این است که در سراها باشند مگر کسانی که شرایط خاص دارند و گرنه اساس و اصل اولیه این بوده که دانشجویان در این سراها باشند و هدف این است که از طریق حضور در این سراها و آن جو و فضای تربیتی و آن نظارتی که آنجا وجود دارد، یک کار پرورشی خوبی اتفاق بیفتد که متأسفانه ما اکنون شاهد اینچنین فضایی نیستیم و فاصله زیادی با نقطه مطلوب داریم و کرونا هم مزید بر علت شد و این امر را تشدید کرد. بنابراین من فکر می‌کنم سطح آموزش و سطح پرورش در دانشگاه فرهنگیان در نقطه مطلوب و حد انتظار نیست و این مهم‌ترین چالشی است که دانشگاه الان با آن مواجه است. و الان که بیش از دو سال است

دانشجویان اصلاً در دانشگاه حضور نداشتند و هنوز هم غالب دانشجویان حضور ندارند و این چالش را بیشتر می‌کند که دانشجویان اصلاً نیستند در سراها که ما بدانیم اصلاً چه کار بکنیم یا نکنیم. فلذا حالا که کم‌کم قرار است دانشگاه حضوری بشود باید روی این موضوع فکر کرد و یک بازنگری انجام داد نسبت به سالهای قبل و از تجارب گذشته استفاده کرد و با یک بازنگری در آن، بشود کارهای بهتری انجام داد.

بنظر شما دوران دانشجویی یک دانشجوی معلم چه

تفاوتی با سایر دانشجویان باید داشته باشد؟

فکر می‌کنم پاسخ این، در سوال قبل تقریباً بیان شد. دانشجویان این دانشگاه در حیطه آموزشی و پرورشی باید ویژه روی آن‌ها کار شود و این سراهای دانشجویی فلسفه‌اش همین است و از اینجا تفاوت با سایر دانشگاه‌ها مشخص است. اگر اینجا کار آموزشی و مهم‌تر از آن پرورشی، درست انجام نشود هدف اصلی که همان تربیت معلمان متناسب با نظام اسلامی است محقق نمی‌شود.

آسیب‌شناسی شما از تشکلهای دانشجویی

چیست؟ مهمترین آسیبی که ممکن است برای

تشکلهای به وجود بیاید چه می‌تواند باشد؟

بنظرم بزرگ‌ترین آسیب برای تشکلهای این است که با اهداف دانشگاه فرهنگیان و با اهداف غایی انقلاب آشنا نباشند و فعالیت‌هایشان در راستای این اهداف نباشد. که این امر کم و بیش در

بعضی تشکل‌ها دیده می‌شود که دانشجویها با اهداف این دانشگاه آشنا نیستند و صرفاً فعالیت کردن را مد نظر قرار داده‌اند ولو اینکه با اهداف دانشگاه ناسازگار باشد. و در بعضی از موارد هم میبینیم که متاثر از بیرون دانشگاه هستند حتی گاهی بدون اینکه خودشان هم بدانند ابزار دست اشخاص و جریان‌ها و احزاب بیرون از دانشگاه می‌شوند و از آنها خط می‌گیرند و فکر می‌کنند باید با آنها همراهی کنند و سیاست‌های آنان را دنبال کنند.

بنابراین سیاسی شدن تشکل‌ها از نظر شما امر خوب و مفیدی است یا موجب آسیب و دور شدن از اهداف دانشگاه و تشکیلات می‌شود؟

پرداختن به سیاست و امر سیاسی قطعاً خوب است. اگر خوب نبود که اینقدر دین ما به آن نمی‌پرداخت. وقتی دین این همه به امور سیاسی پرداخته است وظیفه تک تک افراد و گروه‌ها و جریان‌ها است و باید به مسائل سیاسی بپردازند. البته باید سیاسی بودن درست تعریف شود. ما باید ببینیم در جامعه چه کسانی می‌آیند و کارها را به دست می‌گیرند، قدرت و ثروت دست چه کسانی است، این چرخش قدرت و ثروت اگر دست افراد فاسد و فاسق باشد این ضررش به همه جامعه می‌رسد و اگر هم دست افراد شایسته

و بایسته باشد منفعتش شامل همه می‌شود. خب این موضوعی نیست که آدم بتواند به آن بی‌تفاوت بشود. تشکل نباید کنار بنشیند و قدرت و ثروت به دست هرکس که افتاد فقط تماشا کند و برایش مهم نباشد. سیاسی شدن تشکل‌ها نه تنها خوب است بلکه لازم و ضروری است. اما نحوه درست سیاست‌ورزی مد نظر است نه سیاست زدگی.

هدف غایی هر تشکل دانشجویی از نظر شما چه باید باشد؟

هدف تشکل‌های دانشجویی در دانشگاه فرهنگیان، همان اهداف خود دانشگاه است. یعنی اهداف و آرمان‌های خود دانشگاه، اهداف تشکل‌ها هم باید باشد؛ اما اینکه هدفی که الان تشکل‌ها دارند دنبال می‌کنند همان هست یا نه مستلزم این است که اساس‌نامه و عملکرد تشکل‌ها بررسی شود و ببینیم آیا با آن آرمان‌ها همخوانی دارد یا نه. اینجا ممکن است بگوییم گاهی شکاف وجود دارد. پس هدف تشکل‌های دانشجویی می‌شود همان اهداف دانشگاه فرهنگیان که آن هم همان اهداف نظام اسلامی است.

در حیطه مطالبه‌گری، تشکل‌ها تمرکزشان را در چه موضوعات و مواردی باید بگذارند؟

قطعاً باید مطالبه‌گری محدود به موضوعات صنفی نشود و دانشجویها باید نسبت به مسائل جامعه و

دردهای مردم حساس باشند. اینکه افرادی در جامعه بیایند حقوق دیگران را پایمال کنند، ویژه خواری کنند، شکاف و بی‌عدالتی به وجود بیاورند این‌ها موارد جدی و مهمی هستند. اتفاقاً تجربه نشان داده مطالبه‌گری دانشجویها اثرش خیلی زیاد هست در مسائل کلان کشور. چون بازتاب‌هایش را آدم می‌بیند که وقتی دانشجویها یک موضع‌گیری‌ای می‌کنند و مطالبه‌گری می‌کنند انعکاسش در جامعه خیلی زیاد است. به هر حال دانشگاه یک نهاد اثرگذار است و دانشجویها یک قشر اثرگذار. البته این مطالبه‌گری‌ها باید بر اساس همان آرمان‌های خود انقلاب پیش برود و آن هم آرمان‌های واقعی انقلاب نه موارد تحریف شده و شعاری. نه اینکه اسم آرمان‌ها یدک کشیده شود اما محتوا و عناصر درونش برخلاف اهداف خود انقلاب باشد؛ که این گاهی دیده می‌شود متأسفانه. اینجا یک فهم و بصیرت زیادی هم می‌طلبد و نیاز به شاخص برای تشخیص این امر هست. بهترین کار این است که جریان‌های دانشجویی مطالباتشان را با راهنمایی‌ها و اشارات رهبری تنظیم بکنند و مطابق آن پیش بروند. فکر می‌کنم این مطمئن‌ترین راهی است که می‌توانند انتخاب کنند که خدایی نکرده به اسم مطالبه‌گری در نقطه مقابل اهداف انقلاب قرار نگیرند و به انقلاب آسیب نزنند.

پایان

در میان دود و آتش

یادداشتی از: پوریا روشنی

ساعت ۵:۰۰ صبح

با پیش‌بینی یک حمله قریب‌الوقوع از طرف روسیه به اوکراین توسط سازمان‌های بین‌المللی و خود رئیس‌جمهور اوکراین و اخبارهای ضد و نقیضی که خبرگزاری‌ها در این باره منتشر می‌کردند سرانجام روسیه با وجود فاش شدن نقشه حمله غافلگیرانه خود، تصمیم گرفت که در ۲۴ فوریه سال جاری میلادی به اوکراین حمله کند، حمله‌ای تمام عیار که بدون دفاع موثری از جانب طرف اوکراینی روسیه را به کی‌یف، پایتخت این کشور، رساند.

پوتین نگران امنیت ملی

پوتین همواره درباره گسترش نفوذ ناتو(کشورهای عضو پیمان آتلانتیک شمالی) در منطقه تحت نفوذ شوروی سابق هشدار داده بود و در سال‌های پایانی اولین دهه‌ی قرن بیست‌ویکم شک و گمانی مبنی بر پیوستن اوکراین به ناتو از جانب وی مطرح شد، پس از سال‌ها تنش از سال ۲۰۰۴ تاکنون و پیوستن شبه جزیره‌ی کریمه طی یک

همه‌پرسی به روسیه در سال ۲۰۱۴، نهایتاً ولودیمیر زلنسکی رئیس‌جمهور کنونی اوکراین طرح اقدامات زمینه‌ای این دولت را برای پیوستن به ناتو تصویب کرد. این اقدام خشم دولت روسیه و پوتین را برانگیخت، وی با وجود اینکه بارها به اتحاد میان روسیه و اوکراین و همچنین بلاروس و تاریخ مشترک این ملت‌ها اشاره کرده بود این بار خود را در برابر پروژه‌ی نفوذ آمریکا و عوامل غربی برای مرحله دوم فروپاشی شوروی یعنی از بین بردن همبستگی دیرینه میان کشورهای عضو سابق این اتحادیه می‌دید.

کلیشه "بحران سازی"

اندکی پس از شروع جنگ، قدرت‌های غربی راهی را جز محکوم کردن این اقدام و وضع تحریم پیش روی خود ندیدند، این تحریم‌ها قطعاً تاثیرگذار خواهند بود گرچه اقتصاد بزرگ روسیه با این

تحریم‌ها بعید است فلج بشود، اما عده‌ای سود خود را در ادامه‌دار بودن این جنگ و فروش تسلیحات به اوکراین دیده‌اند. محکومیت روسیه در شرایطی است که مافیای اسلحه‌سازی آمریکا تسلیحات خود را به اوکراین صادر می‌کند و همچنین این دولت نیروهایی را برای آموزش بکارگیری این تسلیحات به خاک این کشور فرستاده است. چک، انگلیس و لهستان نیز اقدام به فرستادن تسلیحات نظامی به



خاک این کشور کرده‌اند. از طرفی ناامنی در منطقه می‌تواند موقعیت روسیه، رقیب دیرینه آمریکا را تضعیف کند و از طرفی دیگر مافیای اسلحه سود سرشاری را از این جریان به دست می‌آورند.

اکنون...

روسیه در حالی اقدام به عقب نشینی موقت از برخی شهرهای اوکراین نموده است، که عمده تمرکز نظامی خود را در شرق و جنوب این کشور یعنی بندر حیاتی ماریوپول قرار داده است، گفته می‌شود روسیه به دنبال شکل دادن به یک کوریدور شرق به جنوب برای منطقه است.

تسلط بیشتر بر منطقه است. این جنگ بر قیمت جهانی نفت و گاز و حتی مواد خوراکی در اروپا تاثیر بسیار زیادی گذاشته است، اروپا نیازمند خرید منابع انرژی از روسیه می‌باشد زیرا ۳۷ درصد گاز اروپا به روسیه وابسته است، پروژه‌های گازرسانی به اروپا موسوم به «نورد استریم» تحت تاثیر شرایط تحریمی قرار گرفته‌اند، اما گفته می‌شود به دلیل نیازمندی به منابع روسیه، اولاف شولتز صدر اعظم آلمان سیاست منعطف‌تری را به نسبت سایر کشورهای اروپایی در قبال روسیه در پیش گرفته و در حالی که غرب گمان می‌کند این تحریم‌ها می‌تواند به روسیه خسارت‌های جبران ناپذیری از لحاظ اقتصادی و سیاسی وارد کند اما خبرها حاکی از آن است که در شرق مشتری



مردم مظلوم یمن تحمیل شد نمونه آن است، این جنایات و قتل و غارت‌ها هیچ‌گاه روحیه انسان دوستانه و حقوق بشری غرب را متوجهی خود نساخت. سازمان‌های بین المللی هیچگاه اراده لازم برای یک اقدام جدی یا در موارد متعدد حتی محکوم نمودن این فعالیت‌های غیر انسانی را نداشتند.

جمع بندی...

هدف روسیه از شروع این جنگ تنها مقابله با نسل‌کشی اقلیت روس در اوکراین یا از بین بردن توان نظامی این کشور نیست؛ بلکه این دولت همچنین خواستار توقف دخالت سیاسی و نظامی آمریکا و عوامل ناتو در کشورهای همسایه است. با وجود اینکه پوتین چندی پیش با "کیف هسته‌ای" خود در انتظار عمومی ظاهر شد، شروع یک جنگ جهانی یا اتمی با توجه به سیاست اجتناب غرب از رویارویی مستقیم با روسیه بعید به نظر می‌رسد، به هر حال طبق فرمایش مقام معظم رهبری علاج بحران در شناختن ریشه بحران است، باید دید که زلنسکی و مردم اوکراین چه زمان از درخواست‌های مکرر و بی‌جواب خود از غرب قطع امید خواهند کرد و متوجه نیت تفرقه‌افکنانه غرب خواهند شد.

پایان



جدیدی برای انرژی روسیه پیدا شده و چین برای خرید منابع انرژی از روسیه اعلام آمادگی کرده است.

استاندارد دوگانه، نژادپرستانه و ضدحقوق بشر

بلافاصله پس از شروع این جنگ رسانه‌های غربی اقدام به بزرگنمایی و اغراق در توصیف وقایع جنگ در اوکراین نمودند. سازمان‌ها و نهادهای بین‌المللی نیز یکی پس از دیگری آن را محکوم و روسیه را به علت نقض قوانین بین‌المللی از شورای حقوق بشر سازمان ملل تعلیق کردند و همچنین اخیراً رئیس‌جمهور آمریکا پوتین را به جنایت جنگی متهم می‌کند. همچنین مرز لهستان و دیگر کشورها برای پناه دادن به اوکراینی‌ها باز است و امکانات رفاهی برای آنان در حد مطلوب تدارک دیده شده است. همه این‌ها در حالی است که در قبال خاورمیانه و شعله‌ی جنگی که استکبار جهانی در آن برافروخته است ما شاهد سکوت آژانس‌های خبری غربی هستیم. نادیده گرفتن جنایات رژیم صهیونیستی در فلسطین و اراضی اشغالی (که در همین مدت اخیر موج جدیدی از آن را شاهد بودیم)، همچنین اقدامات بی‌رحمانه‌ی آمریکایی‌ها و ائتلاف آنها در عراق و افغانستان، آتشی که در سوریه به راه افتاد و وضعیت اسف‌باری که از جانب عربستان و متحدانش به

احتیاط، خدا اینجاست...

به قلم: معصومه شمایل راد

دارالفنون. قبل از اینکه به حجره اول برسیم بچه ها رو دیدم که دور حوض بازی می کردن، همشون دست می زدند و واسه موش موشکشون میخوندن: «موش موشک آسه برو، آسه بیا که گربه ساخت نزنه» دوباره دلم هوای سر به هوایی قدیم رو کرد. به حجره اول که رسیدیم گوشامو چسبوندم به در و از ترک دیوار نگاهشون کردم. میرزای اونا شبیه درویشا لباس پوشیده بود. آره؛ گمونم درویش بود. داشت به بچه ها درس تصوف می داد. یه نگاه به بچه ها انداختم، همه از دم کچل با لباسای بلند و گشاد. همه کله هاشون زیر آفتاب برق میزد، انگاری چند تا چراغ لاله کنار هم چیده باشن. درویش یه کتاب برداشت و بلند از روش خوند:

کتاب ملت عشق، قاعده پنجم از چهل قاعده شمس تبریزی میگه: کیمیای عقل با کیمیای عشق فرق دارد. عقل محتاط است. ترسان و لرزان گام بر می دارد. با خودش می گوید: «مراقب باش آسیبی نبینی.» اما مگر عشق اینطور است؟ تنها چیزی که عشق می گوید این است: «خودت را رها کن. بگذار برود!»

از صبح خروس خون که این خروس خیر ندیده مش ممد خواب رو به چشمام حروم کرد، صبحونه رو خورده نخورده، بقچه مو زدم به بغل و راهی مکتب خونه میرزا حسن شدم. به قول خانوم جون خدا خیر دنیا و آخرت بهش بده که گاو و گوسفندای ده رو از شر آزار و اذیت های من خلاص کرد و منو سر به راه. خیلی وقته سرم فقط به راه مکتب خونه میره و بس. تعالیمی که به من می داد با بقیه شاگردا فرق داشت. خانوم جون میگه شاید خدای نکرده مخت تاب داره که مثل بقیه درست نمیده ولی من همیشه بادی به غبغب می اندازم و میگم: «لابد از هوش و ذکاوت من خوشش اومده ننه...» ان شاء الله که باری تعالی این دروغ رو به گردنم ننویسه!

القصه وقتی رسیدم، میرزا حسن مثل همیشه با لبخند پدرانه اش دم حجره منتظر من ایستاده بود. نمیدونم امروز دیگه چه قصه ای می خواست برام بخونه. بعد از چاق سلامتی گفت: «پسر امروز می خوایم بریم دارالفنون.» مغزم بندری میزد اما چیزی بروز ندادم از شدت خوش حالیم. کنجکاو بودم که درس امروزمون چی میتونه باشه. می دونستم نباید چیزی پرسم. وقتی رسیدیم دست منو گرفت و برد داخل



کله کچل‌ها بعضی‌ها با اشتیاق و بعضی‌ها با حالت گنگ که نشان از ملتفت نشدن‌شان بود، به سخنان درویش گوش می‌دادند. ان‌شاءالله که در دو طرف کله کچل‌شان در و دروازه نساژند. رو به میرزا گفتم: «پس عقل مثل موش موشک بازی بچه‌ها آسه میره آسه میاد ولی دل مثل اسبی که بهش نون قندی نشون بدن، چهار نعل می‌تازونه، درسته؟» لبخندی زد و سرشو به نشونه "بله" تگون داد.

به حجره بعدی رفتیم انگاری داشتن تیاتر تمرین می‌کردن. با دقت نگاه کردم. شخصی که نقش پیتربیلیش داشت گفت: «خیلی از آدم‌ها خیلی کم ریسک می‌کنن، اونا تمام عمرشون رو از خطر دوری می‌کنن... و بعد هم می‌میرن! ولی من برای چیزی که می‌خوام روی همه چیز ریسک می‌کنم.»

سانسا: «و تو چی می‌خواهی؟»

پیتربیلیش: «همه چیز...»

غرق فکر شدم. واقعا کجا باید ریسک کنیم و کجاها آسه بریم، آسه بیایم؟ یعنی میشه به قول پیتربه روی هم‌مهمه چیز ریسک کنیم؟ یعنی وقتی اصغر قلمبه برام شاخ و شونه می‌کشه باید محتاط باشم یا ریسک کنم روی همه چیز؟!

قطعا اگه بخوام ریسک کنم جزیه دماغ شکسته خونی و یه جفت بادمجون زیر چشم، چیزی برام نمی‌مونه. ولی تیاتر

خوبی بود یادم باشه با آبجی گلنسا بیایم برای تماشا. برای استراحت روی تختی که به یه درخت پیر تکیه داده شده بود نشستیم. مرشد داشت وسط حیاط کنار حوض آب، برای بچه‌ها با آب و تاب موعظه می‌کرد. یک داستان از کلیله و دمنه بود انگاری. همونطور که داشت از یه موش عاقل و محتاط حرف می‌زد چوب مرشدی شو تو هوا تگون می‌داد. البته نمیدونم اینکارو برای جذاب کردن قصه گویش می‌کرد یا اگه خدای نکرده واسه کسی جذاب نبود با ضربات چوب روی سرش هیجان‌انگیزش کنه براش. صداشو بلندتر کرد و ادامه داد:

مُطوقه به مسکن موش رسید. کبوتران را فرمود که: «فرود آیید». فرمان او نگاه داشتند و جمله بنشستند؛ و آن موش را زبرا نام بود، با دَهای تمام و خرد بسیار؛ گرم و سرد روزگار دیده و خیر و شر احوال مشاهدت کرده؛ و در آن مواضع از جهت گریزگاه روز حادثه صد سوراخ ساخته و هریک را در دیگری راه گشاده و تیمار آن را فراخور حکمت و برحسب مصلحت بداشته.

ناخودآگاه یاد خانوم جون افتادم. مثل همین موش زبرا تمام زندگیش رو با احتیاط و آسه آسه رفتن گذرونده بود. توی هر سوراخ سنبه حتی تو کش جورابشم یه چند قرونی گذاشته بود واسه روز مبادایی که نمی‌دونستم کی قراره سر برسه. گوشه دارالفنون، یه جای اعیونی درست کرده بودن. کنجکاو شدم

بینم چیه. با میرزا رفتیم سمتش. چند تا شهیدی که به قول مادرم تو راه خدا جونشون رو گرفته بودن کف دستشون، اونجا دفن کرده بودن. از میرزا پرسیدم، آقا چرا باید احتیاط کنیم؟ گفت که زنده و سالم بمونیم. گفتم پس چرا اینا احتیاط نکردن؟ دستش رو کشید روی سرم و رفت تو دنیای خودش... آروم زمزمه کرد:

"گیرم که شرط عقل به جز احتیاط نیست

ای خواجه! احتیاط کجا؟ عاشقی کجا؟!"

وقتی داشتیم برمی‌گشتیم میرزا گفت یه جاهایی باید رو پنجه پا راه بری و یه جاهایی به قول خودت مثل اسبی که نون قندی بهش نشون دادن، چهار نعل تاخت. احتیاط خوبه اما به وقت و به جاش. نتیجه درس امروز ما هم روی دیوار روبرو خلاصه شده. چشمای به قول خانوم جون وزغیم رو دوختم به دیوار روبرو. با خط درشت و قشنگ نوشته بود:

«بنی آدم...

احتیاط...

احتیاط...

خدا اینجاست...»

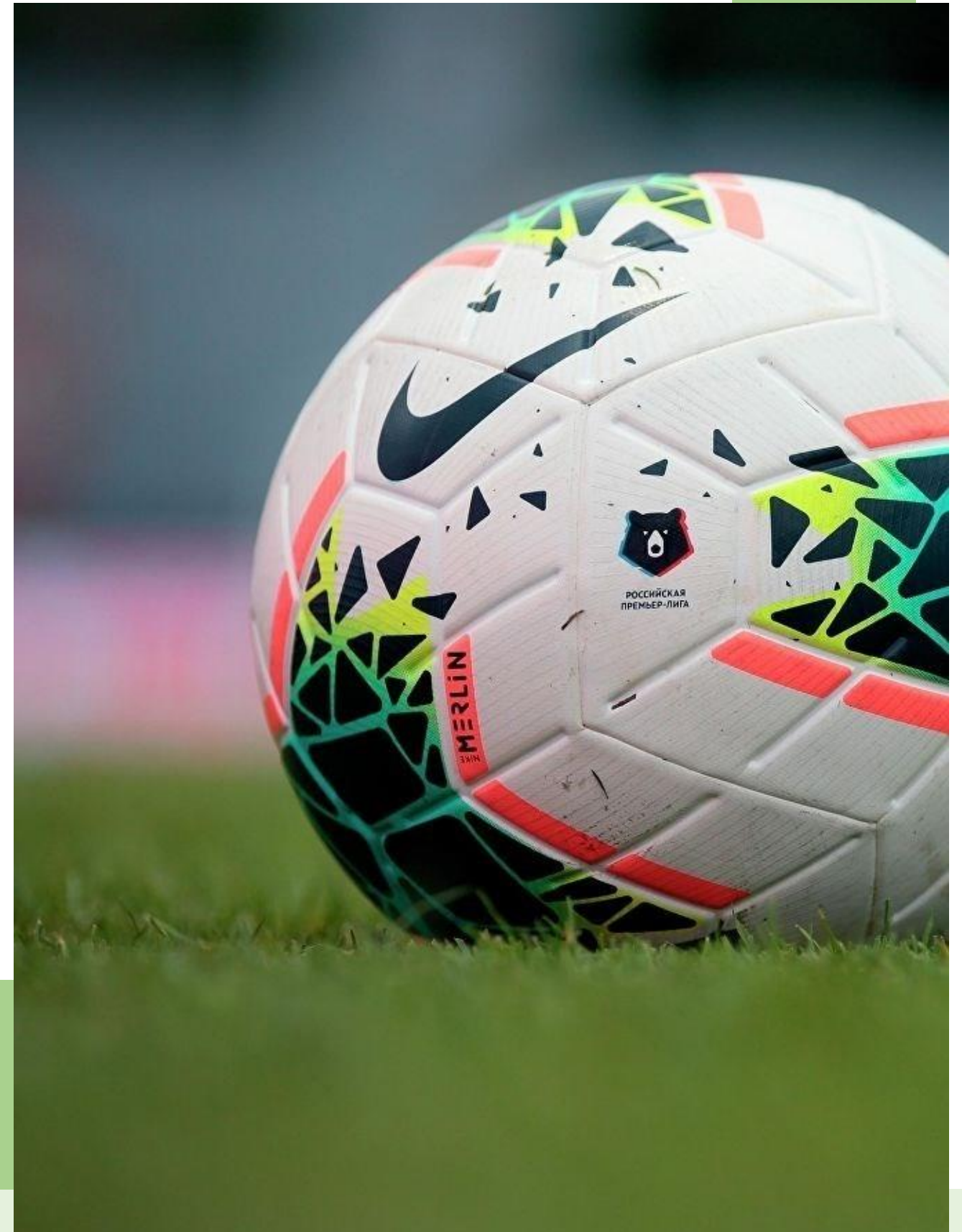
پایان

فوتبال، سیاسی نیست!

یادداشتی از: فهیمه ساجدی

حتما شما هم همگروهی ایران با تیم‌های انگلیس و آمریکا رو در جام جهانی پیش رو شنیدید. خب! طبیعتا این اتفاق منجر به حواشی متعددی در فضای مجازی شد. بعضی‌ها می‌گفتند: "این دیگه جام جهانی نیست، جنگ جهانیه!" و بعضی‌ها هم آقای قآنی رو برای مربیگری تیم ملی پیشنهاد می‌دادند! اما فارغ از فضای تهییج شده و استادیومی فضای مجازی و انواع شوخی‌ها و لطیفه‌هایی که دست به دست میشه؛ "مصدومیت، جانبازی محسوب میشه و برد و باخت نداریم."، "یا می‌بریم یا شهید می‌شیم." قراره یه بار برای همیشه خیلی جدی از خودمون پرسیم ورزش سیاسی هست یا نیست؟

اول از همه بهتره این مسئله رو یه مقدار علمی‌تر بررسی کنیم و بعد هم برسیم به مصادیق متعدد تاریخی که کمابیش سراسر جهان رو پوشش میده.



واقعیت اینه که تطهیر فوتبال عملی غیر واقعیه و در حقیقت، هیچ رخداد و پدیده‌ای فی‌النفسه پاک نیست. ورزش در دنیای جدید به تبع تجاری شدن و تبدیل شدنش به کالا، از این قاعده مستثنی نیست. نهادهای ورزشی روز به روز بیشتر دست به رفتارهای سیاسی می‌زنن؛ پول‌های کلانی که در این فرایند جابجا میشه و تکرر فرهنگی و برخورد فرهنگ‌ها با همدیگه هم روز به روز به این مسئله دامن می‌زنه.

پله، بازیکن مشهور برزیلی، در خصوص این بحث ما جمله در خور ستایشی گفته:

"فوتبال بازی زیبایی است که جنگ‌ها را آغاز می‌کند و پایان می‌دهد و بسیاری از دیکتاتورها را در قدرت نگه‌داشته است."

اصولا این فرایند دوقطبی فوتبال باعث شده خیلی وقت‌ها مردم حرف‌های سیاسی‌شون رو با زبون ورزش بزنن، مثل همین تیم‌های معروف رئال مادرید و بارسلونا. بارسلونا برای مردم کاتالونیا نه تنها پدیده‌ای فراتر از تیم فوتبال، بلکه نمادی برای اعتراض به حکومت ژنرال فرانکو بود؛ دیکتاتوری که دوره‌ای از خفقان و استبداد رو در اسپانیا بوجود آورد. در مقابل این جریان؛ رئال مادرید متعلق به

به سلطنت‌طلبان مادریدی و از حامیان فرانکو بود. جدال این دو تیم همیشه در عرصه سیاسی نماد رویارویی چپ و راسته.

همچنین در کشور یونان سبزه‌های پاناتینایکوس که به طبقه بورژوا تعلق دارن به رویارویی المپیاکوسی‌ها میرن که متعلق به قشر ضعیف جامعه هست.

اما برسیم سراغ اصل ماجرا ینی فیفا...

یکی از اهداف گسترش فیفا در جهان امروز ادامه سیاست به یه روش دیگه است. بطوری که به لحاظ حقوقی قوانین فیفا برای کشورهای جهان غیر الزام آورده؛ اما دولت‌ها رو نسبت به خودش پاسخگو کرده و اونا از ترس تعلیق فوتبالشون و فشار افکار عمومی؛ شاید قطعنامه‌های شورای امنیت رو جدی نگیرن اما به خواسته‌های فیفا تن میدن و سریعا اجرا می‌کنند. ضمنا؛ تبعیض‌هایی که فیفا در ادوار مختلف بین کشورها قائل شده حقیقتا قابل تامله. مثل همین قضیه اوکراین و روسیه.

فوتبال روسیه علیرغم میزبانی در جام جهانی ۲۰۱۸، درست پس از اولین حمله به خاک اوکراین تعلیق و از بازی‌های جام جهانی حذف شد.

درحالی‌که ۲۴ ساعت از آخرین حمله عربستان سعودی به غیرنظامیان یمنی نمی‌گذره اما حضور ناجوانمردانه این کشور رو در جام جهانی ۲۰۲۲ (قطر) شاهدیم!

بد نیست یکم قبل‌ترش رو هم بررسی کنیم.

جام جهانی ۲۰۱۴ (برزیل) هم‌زمانی که مردم دنیا در حال شمارش گل‌های تیم مورد علاقتشون بودن جامعه جهانی شاهد تعداد متعدد شلیک‌های رژیم غاصب صهیونیستی علیه نوار غزه بود و این اتفاق دقیقا در جام جهانی ۲۰۱۸ (روسیه) هم افتاد و این رژیم با خیالی آسوده از پرتی حواس رسانه‌ها به امر مقدس فوتبال! حق مطلب رو برای فلسطینی‌های نوار غزه تموم کرد.

اما این پایان ماجرا نبود..

استفاده یا بهتره بگم سوءاستفاده اسرائیلی‌ها از ادوار

مختلف جام جهانی برای خیلی از رژیم‌های ماجراجوی دنیا الگو شد و در جام جهانی ۲۰۱۸ (روسیه) شاهد حملات گسترده ائتلاف عربی به قصد نابودی کامل بزرگ‌ترین فرودگاه صنعا بودیم.

اما مثل همیشه نه یقه عربستان و امارات و اسرائیل و بقیه گرفته شد نه اخمای فیفا تو هم رفت. اصولا این بزرگوار غیر از ایفای نقش مترسک سر جالیز و پرت کردن حواس دهکده جهانی و خوش رقصی مطابق میل کدخدا وظیفه دیگه‌ای نداره!

راستش رو بخواید هیچ کس از فیفا راجع به استعمار کارگران در قطر یا عدم نفوذ چهره‌های رنگین پوست نسبت به سفید پوست در پست‌های مختلف مدیریتی و مربیگری نمی‌پرسه یا بهتره بگم نباید پرسه.

در کنار همه این صحبت‌هایی که باهم داشتیم ژست روشنفکری بعضیا و جمله "ورزش سیاسی نیست" منو یاد کتاب قلعه حیوانات میندازه؛ اونجایی که اورول می‌گه: "همه با هم برابرند؛ اما بعضی‌ها برابر ترررررررررررند!"

پایان



خون، بهای نان

سمفونی فقر و مرگ در سایه بی‌توجهی‌ها

به قلم: علی رزاقپور

اولین باری که پشت ماشین نشست و رانندگی کرد ۱۳ یا ۱۴ سالش بود، نوجوانان زیادی اینجا در این سن رانندگی می‌کنند او هم با دیدن آنها و اصرار زیاد، بالاخره اجازه پدرش را برای رانندگی گرفت. دیدن اینکه هم سن و سال‌هایش رانندگی می‌کنند اشتیاق او را برای اینکار زیاد کرد و گر نه چیز زیادی از رانندگی نمی‌دانست.

رفته رفته خودش تنهایی پشت ماشین می‌نشست و رانندگی می‌کرد، گاهی به شهر می‌رفت و وسیله‌ای برای خانه می‌خرید یا با دوستانش جایی می‌رفت. سنش که مقداری بیشتر شد، کنترل خانواده روی او کمتر شد و بیشتر با دوستانش می‌گشت و تحت تاثیر آنها بود و بعضی شب‌ها حتی خانه نمی‌آمد. تا جایی که درس و مدرسه را هم رها کرد و خودش بود و ماشین و دوستانش!

گذشت و گذشت تا اینکه یک روز درحالی که لباس‌هایش بوی گازوئیل می‌دادند به خانه آمد و در جواب مادر که گفته بود چرا لباس‌هایت بو می‌دهند، گفت: همراه دوستم گازوئیل بردیم. مادر با ترس پرسید گازوئیل؟ جواب داد: «آره؛ دوستم می‌خواست ببرد منم همراهش رفتم، شاید خودم هم از این به بعد ببرم، درآمد بالایی دارد.»

تلاش‌های خانواده برای کنترل او بی‌فایده بود و او



هم گاهی گازوئیل می‌برد و کمک خرج خانواده بود، اینکه به خانواده‌اش کمک می‌کرد باعث کمتر شدن مخالفت آن‌ها شده بود و حتی شاید راضی بودند به این کار پسرشان! اما این، آغازِ زیبایِ ماجرای بود که از تلخی سکانس پایانی آن خبر نداشتند. صبح روزی که به خانواده‌اش خبر دادند پسران دیشب تصادف کرده و میان شعله‌های آتش سوخته و از دنیا رفته است، گویی دنیا به یکباره بر سر آن‌ها خراب شد، اکنون متوجه اشتباه خود شده بودند که دیگر راهی برای جبران وجود نداشت و پسرشان از دست رفته بود.

اینچنین وقایع و سرگذشت‌ها در مناطق جنوب‌شرقی کم نیست و سالانه ده‌ها جوان و نوجوان در مسیر حمل سوخت جان خود را از دست می‌دهند. سوخت بری سال‌هاست که به مُسکنی برای درد فقر این مناطق تبدیل شده است که اگر فکری به حال آن نشود از آنچه که امروز هست نیز گسترده‌تر خواهد شد و جبران زیان‌هایش دشوار یا ناممکن می‌شود. سوخت بری نیازمند اراده جدی مسئولان برای رفع مشکل معیشت و اشتغال در این مناطق و تلاش و همت همه افراد جامعه برای اصلاح فرهنگ‌های اشتباه و تربیت‌های ناصحیح است.

پایان

عدالت آموزشی

و تبعات بی‌عدالتی در آموزش

به قلم: علیرضا حسینی

عدالت آموزشی یکی از مهمترین ابعاد عدالت سازمانی است که می‌تواند همه حوزه‌های آموزشی بالاتر را دچار تحول کند و زمینه بروز استعدادها و توانمندی‌ها را در سطح کلان فراهم آورد. همچنین برخورداری از آموزش در جهان امروز یک ضرورت است و به همین دلایل، برابری در برخورداری از آموزش حائز اهمیت است. نظام آموزشی اثربخش، نیازمند عدالت آموزشی و اجتماعی است. عدالت حیات و بقای سیستم‌های اجتماعی را استمرار می‌بخشد و عناصر اجتماعی را در کنار یکدیگر منسجم می‌سازد، در حالی که بی‌عدالتی موجبات جدایی و اضمحال آنها را فراهم می‌آورد.

امام علی (ع): «الْعَدْلُ حَيَاةُ الْأَحْكَامِ»

(عدالت، روح و جان احکام الهی است.)

عدالت والاترین ارزش و آرمان برای رستگاری انسان است که امروزه، فراهم کردن آن از ملزومات پیشرفت در هر جامعه به ویژه جامعه اسلامی بوده است و در حقیقت، همه کوشش‌ها وسیله‌ای برای تحقق عدالت است.

عدالت، یعنی نهادن هر چیزی به جای خود و لفظی است که با معنایی وسیع در کلیه شؤون آدمی حضور مؤثر دارد. عدالت یکی از ارکان مهم هر جامعه است که باید توجه گسترده‌ای به آن شود. عدالت آموزشی نیز یکی از موارد مهم عدالت است. یکی از بحث‌های استراتژیک نظام، بحث عدالت آموزشی است.



عدالت آموزشی برای فعالیت هر چه بیشتر دانش‌آموزان در فرایندهای یادگیری، امری لازم و ضروری است. بی‌عدالتی آموزشی موجب **دلسردی و ناامیدی** به نتایج فعالیت‌های یادگیری می‌شود.

درواقع یکی از شرایط لازم برای یک جامعه متعالی و پویا و توسعه‌یافته دستیابی به عدالت، هم به معنای عام آن و هم به معنای خاص آن است؛ زیرا عدالت

آموزشی است که زمینه را برای دستیابی به عدالت اجتماعی فراهم می‌کند. اگر نظام نتواند آن را تعمیم دهد قطعا شکاف طبقاتی و فاصله طبقاتی زیاد خواهد شد و نارضایتی و نابهنجاری در سیستم به وجود خواهد آمد؛ بنابراین هرچه این پدیده بیشتر تعمیم پیدا کند قطعا به پایداری اجتماع کمک خواهد شد و

جامعه پیشرفت و توسعه پیدا خواهد کرد.

در عدالت آموزشی باید به توزیع امکانات آموزشی توجه شود. منظور از امکانات آموزشی، صرفا میز و صندلی و کامپیوتر نیست که با توزیع خوب آن عدالت آموزشی رخ دهد بلکه مهم‌تر از آن فرصت یادگیری و منابع انسانی است.

ما می‌توانیم عدالت آموزشی را به عنوان مقدمه‌ای برای به وجود آمدن انواع عدالت‌ها بدانیم. چرا که تبعیض و نابرابری در دسترسی به امکانات و منابع آموزشی باکیفیت، در نهایت به نابرابری اجتماعی در دیگر سطوح جامعه نیز منجر خواهد شد. همانطور که امروزه شاهد آن هستیم که نابرابری آموزشی در جامعه ما به تبعیض در سطوح بالاتر منجر شده است.

پایان

#توییت_گردی



KHAMENEI.IR | فارسی
@Khamenei_fa

اصلاحیه / بحمدلله دیپلماسی کشور در جهت خوبی حرکت میکند. آنچه که حالا در مسائل دیپلماسی مورد توجه هست مسئله هسته‌ای است. هیئت مذاکره‌کننده، رئیس‌جمهور و شورای امنیت ملی رادر جریان میگذارند و تصمیم میگیرند و جلو میروند. هیئت مذاکره ما هم تا اینجا برابر زیاده‌خواهی طرف مقابل مقاومت کرده و خواهد کرد.



محسن قنبریان
@ghanbarian_ir

چرا اعتراض ائمه جمعه و #مجامع_حوزوی برای یک تخلف در حوزه زنان با صدای بلند و پرتکرار شنیده میشود اما در #حوزه_عدالت، اشرافیت مذهبی یا مفاسد اداری نه؟!
دلیل هرچه باشد نتیجه یا اثر وضعی در افکار عمومی یکی است، تبعیض دین خواهی!



سعید جلیلی | Saeed Jalili
@DrSaeedJalili

اینکه رهبری در پایان دولت قبل گفتند این دولت (در مذاکره با آمریکا) مایه عبرت شد، یک راهنمایی دلسوزانه به همه بود.



دانش‌طلب
@danesh_talab

هم آزادی اقتصادی می‌خواهند هم از کالایی شدن آموزش شاکی می‌شوند، احمق‌ها!



مجید تفرشی | Majid Tafreshi
@majidtafreshi

زلنسکی، اوکراین و نقشه راه اسرائیل دوم دنیل شاپیرو سفیر سابق آمریکا در اسرائیل و عضو ارشد اندیشکده شورای آتلانتیک، تحلیل متفاوتی براساس تعبیر نامعمول اخیر «ولادیمیر زلنسکی» رئیس‌جمهور اوکراین انجام داده. زلنسکی از اوکراین با عنوان «اسرائیل بزرگ» یاد کرد.

Translate Tweet



atlanticcouncil.org

Zelenskyy wants Ukraine to be 'a big Israel.'
Here's a road map.



مصطفی زالی
@MusatafaZali

پزشکان از یکسو تعرفه‌گذاری دستوری خدمات پزشکی را اجحاف به خویش و برخلاف قواعد بازار آزاد می‌دانند. در مقابل اما فشار فراوانی را به دولت برای جلوگیری از افزایش ظرفیت‌ها (آزادسازی آموزش پزشکی) می‌آورند. این تناقض مضحک در نسبت با قواعد بازار آزاد، صورت عریان منفعت‌طلبی صنفی است.

